

بررسی ارتباط اسکان غیررسمی با افتراق مکانی در افزایش میزان جرم و امنیت اجتماعی شهر بوشهر

خدارحم بزی*، اکبر کیانی*، یعقوب زارعی**

طرح مسئله: اسکان غیررسمی در شهرها به طور اساسی ناشی از عوامل متعددی است، بخش عمده‌ای از آن به سبب توسعه ناهمگون و نابرابر مناطق شهری و تفاوت‌های مکانی - فضایی (افتراق مکانی) نسبت به امکانات و تسهیلات موجود است، از این رو، چنین وضعیتی در میزان جرم و امنیت بدون تأثیر نخواهد بود. روش: روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، الکترونیکی و بررسی‌های میدانی می‌باشد. این تحقیق در سطح محلات مختلف شهر بوشهر با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و مشاهدات پیمایشی در سال ۱۳۸۸ انجام گردید. تعداد پرسش‌نامه‌ها با توجه به اهداف و فرضیات تحقیق برای ۱۶۲ نفر از مددجویان زندان مرکزی بوشهر طراحی، پایلوت و تکمیل شد. پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی در بین افراد توزیع شدند، در حالی که انتخاب محله‌ها بر اساس وضعیت شهر و تفاوت‌های مکانی - فضایی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است. به گونه‌ای که بتوان نتایج حاصل از تحقیق را در بعد مکانی - فضایی نیز تحلیل و ارائه نمود. تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات حاصل از یافته‌های میدانی با استفاده از ضریب پیرسون و نرم افزارهای آماری (Spss و Excel) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) انجام گردیده است. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی از این است که افتراق مکانی یا تفاوت در بین محله‌های شهر بوشهر با بیش‌ترین جرم خیزی با ۱۴/۵ درصد مربوط به محله جبری و پس از آن محله صالح آباد با ۹/۶۷ درصد و کم‌ترین میزان جرم نیز مربوط به محله‌های ده‌دشتی، بهبهانی، پور و بهشت‌صادق با ۱/۱۶ درصد بوده است. همچنین یافته‌ها گواه این است که بین تعداد دفعات جرم و وضعیت مسکن در سطح ۰/۰۱ رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد، که عواملی چون وضعیت مالی ضعیف، وضعیت بد مسکن، محل زندگی، نبود شغل مناسب، گرایش افراد به مشاغل کاذب و همچنین پایین بودن درآمد که همگی تصویری از سیمای اسکان غیررسمی شهرهاست، زمینه را برای ارتکاب جرم‌هایی نظیر سرقت، قاچاق و کسب در آمد از راه نامشروع فراهم می‌کند و آن‌جا را کانون جرایم و آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. از نظر افتراق مکانی نیز محله‌های حاشیه‌نشین منطبق بر مناطق پیرامون شهر است که نیاز به طرح‌های توانمندسازی دارند. همچنین در ادامه برای کاهش میزان جرم و افزایش امنیت اجتماعی در این راستا راه حل‌ها و پیشنهادهایی نیز ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: اسکان غیررسمی، افتراق مکانی، جرم، امنیت جامعه، بوشهر.

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۰۷

* دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل.

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل. <yaghoub.zarei@yahoo.com>

مقدمه

یکی از پدیده‌های مهم دهه‌های اخیر رشد بی‌رویه جمعیت است. این وضعیت که ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت شهرنشین است در شهرهای کشورهای در حال توسعه به وضوح مشاهده می‌شود. سطح برخورداری شهرها و محرومیت روز افزون مناطق روستایی منجر به توسعه نابرابر مناطق و ایجاد شکافی عمیق بین شهرها و روستاها در کشورهای کم‌تر توسعه یافته شده است. این امر خود تشدید مهاجرت‌های داخلی را سبب گردیده و پیامد این واقعه موجب پیدایش اسکان غیررسمی و وجود حلبی آبادها در شهرها گردیده است. تحقیق حاضر تلاش نموده است ارتباط «اسکان غیررسمی» با «تفاوت‌هایی مکانی» موجود در سطح شهر بوشهر (افتراق مکانی) را به گونه‌ای بررسی، طرح و ارائه کند، که بتوان با توجه به وضعیت «میزان جرم و امنیت اجتماعی»، تفاوت‌های مکانی سطح شهر بوشهر را جهت توسعه مطلوب مشخص و تعیین نمود. در این راستا، لازم است اصطلاحات عمده به کار رفته در تحقیق حاضر مشخص گردند:

الف) «اسکان غیررسمی» به معنای واقعی (در این تحقیق بیش‌تر متوجه تفاوت‌های مکانی موجود در سطح محلات شهر بوشهر و به ویژه قسمت‌های حاشیه شهر و مراکز شهر بوشهر می‌باشد).

ب) «افتراق مکانی»، تفاوت‌های مکانی سطح شهر در ابعاد فیزیکی - کالبدی، اقتصادی و اجتماعی

ج) «جرم»، اعمالی که برخلاف قوانین و مقررات موجود در کشور و شهر صورت پذیرد و متخلفین مطابق آن مجازات شوند.

د) «امنیت اجتماعی»، پیروی از حقوق خود، دیگران و جامعه، به نحوی که باعث افزایش امنیت و ارتقاء جامعه در ابعاد رفاه اجتماعی شده و تزاممی برای سایر شهروندان ایجاد نماید.

ساکنان بخش‌های اسکان غیررسمی جزء قشر تهیدستان جامعه محسوب می‌شوند که به دنبال گرانی زمین و افزایش قیمت مسکن، زندگی در حاشیه شهرها را برگزیده‌اند. مسکن از نیازهای اساسی و مهم به شمار می‌آید که بیش‌ترین هزینه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد. از آن‌جا که خانواده‌های کم‌درآمد از قدرت خرید بالایی برخوردار نیستند به ناچار برای انتخاب محل سکونت خود مجبورند که در نقاط دورافتاده از مرکز شهر و در حاشیه شهرها سکنی‌گزینند. رشد روز افزون شهرنشینی، مسائل و مشکلات خاصی را در زندگی انسان‌ها به وجود آورده است. یکی از عمده‌ترین این مشکلات مسئله مسکن می‌باشد (نقدی، ۱۳۸۲). افراد به دلیل نداشتن درآمد مکفی ناچارند گاه به مسکن غیررسمی و غیراستاندارد متوسل شوند. مسکن اگر فاقد حداقل استانداردهای مورد پذیرش شهرسازان و جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان باشد و مساحت آن به نسبت ساکنان آن کم‌تر باشد چه بسا آثار سوء و شومی بر ساکنان آن و به خصوص کودکان و نوجوانان خواهد داشت (مسعودی‌فر، ۱۳۸۵). از آن‌جا که ساخت و ساز نامناسب به‌عنوان بارزترین ویژگی مناطق حاشیه‌نشین ماحصل فقر است، لکن فقر علاوه بر ابعاد مادی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز بروز کرده است. بیکاری، اشتغال‌کاذب، عدم دسترسی به خدمات شهری از دیگر ویژگی‌هایی است که می‌توان برای این مناطق برشمرد. تبدیل شدن این مناطق به کانون جنایت، فساد و فحشا و به تبع آن سرایت آسیب‌های اجتماعی این مناطق به جامعه از مواردی است که ضرورت بررسی اثرات حاشیه‌نشینی بر افزایش جرم را ایجاب می‌نماید.

ضرورت توجه به گسترش جرایم در شهرها خصوصاً از آن جهت اهمیت دارد که بخش عظیم جمعیت شهرها را مهاجران تشکیل می‌دهند که برخی از آن‌ها به دلیل عدم تطابق اجتماعی با محیط جدید، جرایم و انحرافات فراوانی را مرتکب می‌شوند (میرخلیلی، ۱۳۸۷). به‌طوری‌که سکونت‌گاه‌های زاغه‌ای و فقیرنشین به مراکز جنایت و فساد و خرابکاری و تروریسم سیاسی تبدیل شده‌اند (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۵). از آن‌جا که اسکان

غیررسمی رابطه‌ای عمیق با بزهکاری و ارتکاب جرم دارد، می‌توان اذعان داشت که عدم نظارت صحیح بر حاشیه شهرها می‌تواند این مناطق را به سمت مستعد شدن در ایجاد جرم و بزه سوق دهد. بسیاری از آسیب‌شناسان معتقدند که منشأ افزایش جرم در کشور از رشد شتابان شهری سرچشمه می‌گیرد.

بسته به معیارهایی که برای تعیین حاشیه‌نشینی در جهان به کار می‌روند از جمعیتی بین ۵ تا ۲۰ میلیون نفر به عنوان حاشیه‌نشین یاد می‌شود. اگرچه ظهور این پدیده می‌تواند معلول توسعه نامتوازن جامعه باشد ولی میزان قابل توجهی از آسیب‌های شهری به افرادی بر می‌گردد که در این مناطق زندگی می‌کنند (جلائی‌پور، ۱۳۸۷).

گسترش روزافزون حاشیه‌نشینی در دهه‌های اخیر، به ویژه در کشورهای جهان سوم که معلول پیامدهای زیادی بوده است به صورت بارز در کج‌روی‌های اجتماعی نمود پیدا کرده است. طبق مطالعاتی که یک کارشناس ارشد برزیلی به نام نانسی کاردینا در دانشگاه سائوپاولو انجام داده است، بیش‌ترین جرایم توسط جوانانی صورت گرفته که در مناطق محروم زندگی می‌کنند و محرومیت به گونه‌ای سبب تسهیل در خشونت گردیده است (Caradia, 2000). از آن جا که اسکان غیررسمی تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی زیادی را به همراه دارد، در این پژوهش سعی شده است به تأثیر حاشیه‌نشینی در میزان افزایش جرم به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی پرداخته شود.

گسترش اسکان غیررسمی در دهه‌های اخیر پدیده‌ای است که در تمامی کشورهای جهان، به‌ویژه شهرهای جهان سوم مشاهده می‌شود. اکثر کارشناسان اجتماعی آن را ناشی از مهاجرت روستاییان به شهر می‌دانند که سبب به وجود آمدن تیپ‌های ناهمگون و زاغه‌ای در اطراف شهرها شده است. مهاجرت نیروی کار روستایی به شهر، سبب پیدایش اسکان غیررسمی در حومه کلان‌شهری می‌گردد (ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۱). جوامع جدید در گروه‌هایی دور از مرکز شهر گسترش پیدا کرده‌اند. به طوری که گسترش نامنظم شهرها از نظر یک پزشک به شکل یک ضایعه بدخیم درآمده است. این الگوها (گروه‌های

حاشیه‌نشین) جهانی هستند و مستقل از مقیاس، فرهنگ، سازمان اجتماعی و موقعیت جغرافیایی، در هر قاره‌ای یافت می‌شوند (Hern, 2008).

آمارهای سازمان بین‌المللی نشان می‌دهد، تقریباً یک میلیارد نفر از کل جمعیت دنیا در نواحی حاشیه‌ای به سر می‌برند (Movahed mohamadi and et al, 2008). بنابر گزارش سال ۲۰۰۱ مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، حدود ۲۰ درصد جمعیت شهری جهان در فقر مطلق به سر می‌برند (عیسی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳). همچنین در آمار دیگری توسط همین سازمان که در سال ۲۰۰۳ ارائه شده است، از هر ۳ نفر در جهان یک نفر در خلال ۳۰ سال آینده، زندگی خود را در مناطق حاشیه شهرها و سکونت‌گاه‌های غیر قانونی طی می‌کند (اسدالهی و همکاران، ۱۳۸۵). شواهد حاکی از آن است که طبق تخمین‌های جهانی ۳۱/۶ درصد جمعیت شهرنشین دنیا در نقاط حاشیه‌ای زندگی می‌کنند (Field & kermer, 2006). طبق برآورد، ۲۰ تا ۸۰ درصد رشد شهری مربوط به کشورهای در حال توسعه است. حال آن که این رشد توسط ساکنان فقیر مسکن غیررسمی صورت پذیرفته است (Aluko & Amidu, 2006: 1).

آمارها نشان می‌دهد، ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای جهان سوم از رشد شهرنشینی بالایی برخوردار است. به طوری که تعداد شهرها در ایران از ۱۹۹ در سال ۱۹۴۶، به حدود ۱۰۰۰ شهر در سال ۲۰۰۴ رسیده است. نرخ افزایش جمعیت شهری در این مدت از ۳۲ درصد در سال ۱۹۴۶، به ۶۷ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. نرخ رشد افزایش جمعیت شهری ۴/۳ درصد سالانه در مقابل ۱/۳۲ درصد جمعیت روستایی است (UN porogram human settlement, 2004)

اسکان غیررسمی پدیده‌ای است که نه تنها در جهان بلکه در ایران نیز آرام آرام می‌تواند به معضلی تبدیل شود که دولت‌ها تا کنون نتوانسته‌اند از آن رهایی یابند و برای حل آن چاره‌ای نکنند. شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای که گسترش آن را در جهان از سال ۱۹۵۰ میلادی اعلام کرده‌اند، رشد نگران‌کننده آن را در ایران از دهه ۱۳۴۰ شمسی عنوان نموده‌اند (برغم‌دی، ۱۳۸۷).

افزایش طبیعی جمعیت و بیش از آن مهاجرت روستاییان به مناطق شهری در ایران نیز باعث رشد بی‌رویه و ناموزون جمعیت در تهران، مشهد، اصفهان و سایر کلان شهرهای کشور شده است. در این زمینه نیز ارقام و اطلاعات نشان می‌دهد که در ایران میزان شهرنشینی از حدود یک پنجم جمعیت کل کشور در هشتاد سال پیش، اکنون به دو سوم و رقم مطلق جمعیت شهرنشینی با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ شمسی از حدود ۵/۹ میلیون نفر به بیش از ۳۶ میلیون نفر رسیده است (نقدهی، ۱۳۸۲). شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در ایران نیز ریشه در توسعه برون‌زا و رشد بسیار شهرنشینی دارد (پارسا‌پژوه، ۱۳۸۱). گسترش سریع و ناموزون شهرها و به دنبال آن گرانی بی‌سابقه املاک و مسکن به خصوص در شهرهای بزرگ، بی‌بضاعتی قشر محروم و انتخاب حاشیه شهرها و به دنبال آن ساخت منازل با مصالح نامناسب و در حد توان خویش، علاوه بر دگرگونی چهره شهرها و ظهور قارچ‌گونه این مناطق که در اثر مهاجرت بی‌رویه و رشد سریع و نامتوازن جمعیت صورت گرفته است، همچنین سبب افزایش جرم، فساد، فحشا و آلودگی‌های زیست محیطی و... شده است. این مشکلات روی هم رفته موجب به وجود آمدن پدیده‌ای شده است که امروز آن را به عنوان اسکان غیررسمی نام نهاده‌اند. جای نگرانی است که از ۹۵۰ میلیون جمعیت حاشیه‌نشین در دنیا، چیزی حدود ۷ میلیون آن ساکن کشور ایران هستند.

از آن جا که گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی در بخش‌های اسکان غیررسمی شهرها مشهودتر است، بنابراین یکی از عمده‌ترین اهداف این پژوهش، بررسی ارتباط اسکان غیررسمی با افتراق مکانی در افزایش میزان جرم و امنیت اجتماعی در بوشهر می‌باشد. بر این اساس فرضیه تحقیق به صورت زیر مطرح می‌گردد:

- نحوه پراکنش یا افتراق مکانی محله‌های سطح شهر بوشهر در میزان جرم تفاوت معناداری دارد. یا به عبارت دیگر، میزان جرم در قسمت‌هایی اسکان غیررسمی حاشیه یا پیرامون شهر بوشهر بیش‌تر از بخش‌های مرکزی شهر است.

با توجه به موارد بالا، تحقیق حاضر در پی یافتن «افتراق مکانی» (تفاوت‌های مکانی) ناشی از اسکان غیررسمی در سطح شهر بوشهر می‌باشد که در فعالیتهای علمی و اجرایی گذشته جهت توسعه بهینه شهر بوشهر کم‌تر به آن پرداخته شده است.

در بررسی که با استفاده از روش تطبیقی به مقایسه شاخص‌های مسکن در ایران، از جمله محله شیخ‌آباد قم، پرداخته شده است، محقق ضمن مقایسه اسکان غیررسمی در ایران با دیگر کشورهای در حال رشد، معتقد است ایران در زمینه برخورداری از خدمات اساسی دارای شرایط مساعدتری است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). در مطالعه‌ای دیگر حاشیه‌نشینی به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری شناخته شده و در این ارتباط علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه‌نشینی در شهر همدان با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته است (نقدی و همکاران، ۱۳۸۵). نتایج به دست آمده از آن مقاله تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان، حاکی از آن است که ارتباط مستقیم و معناداری بین عوامل اقتصادی و امکانات، سهولت تهیه مسکن و زمین و قومیت‌گرایی و نوع قومیت و نوع شغل با حاشیه‌نشینی وجود دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸). در بررسی دیگری نتایج حاصله نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ در ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی، اثرات مستقیم و تأثیرگذاری بر روند پیدایش و توسعه حاشیه‌نشینی در اهواز گذاشته است (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۲) و در اثری دیگر مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی و شهر اطراف به شهر اهواز مهم‌ترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه‌نشینی ذکر شده است که این وضعیت تحت تأثیر دافعه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه‌های اقتصادی فرهنگی شهر بوده است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۳). در پژوهش توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، محقق به ضرورت بررسی موقعیت‌ها و شرایطی که در شهرها به نفع بزهکاران و بزهکاری ایجاد شده، و سلب این فرصت‌های مجرمانه اشاره می‌کند. او همچنین ویژگی‌های خاص جوامع شهری مانند

حاشیه‌نشینی، اثرگذاری بر موقعیت‌های مکانی جرم‌زا و استفاده از قابلیت‌های محلی در پیشگیری از جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد (میرخلیلی، ۱۳۸۵). در تحقیق دیگری نیز رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و بوم‌شناختی با نرخ جرایم و همچنین شناسایی نقاط جرم‌خیز و جرایم خاص هر یک از مناطق هشت‌گانه شهر شیراز بررسی شده است و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف قاپی و سرقت‌های معمولی رابطه معناداری دارد (بیانلو و منصوریان، ۱۳۸۳).

بر اساس برآوردهای فعلی حدود ۴٪ از سطح زمین در اشغال شهرها می‌باشند و در عین حال آن‌ها تقریباً نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند (Redman and Jones, 2005). در میان خانواده‌های فقیر گسترده‌ترین مشکل عدم دسترسی به بهداشت است. به دنبال آن عدم دسترسی به محلی امن و به شبکه‌های آب آشامیدنی و پس از آن مهم‌ترین مشکل، مسکن ضعیف و ناپایدار است. در نهایت، ازدحام همچنان به صورت ویژگی غالب خانواده‌های فقیر شهری است (Winchester, 2005). از سال ۲۰۰۷ اکثر جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند و بیش از یک میلیارد از این افراد در مسکن نامناسب با هیچ و یا منابع چند اولیه زندگی می‌کنند (Rashid, 2009). محققان نیز افزایش نگران‌کننده تعداد فقرای شهری و افزایش تقاضا برای ارائه خدمات شهری و امکانات را از عواقب ناشی از شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بیان می‌کنند و در ادامه در توصیف محلات حاشیه‌نشین کشور کنیا اشاره می‌کند که ساختمان‌ها در این مناطق به صورت خودجوش اسکان پیدا کرده و از استاندارد بسیار پایینی بهره می‌برند و خطر شیوع بیماری‌های همه گیر و آتش سوزی آن‌ها را به طور جدی تهدید می‌کند (Obudho and Aduwo, 1989).

مبانی نظری

اصطلاح حاشیه‌نشینی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مناطق فقیرنشین اطراف شهرها که مردم در آن‌جا نتوانسته‌اند جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر شوند. حاشیه‌نشینی از

پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی است (اسدالهی و همکاران، ۱۳۸۵). در مورد حاشیه‌نشینی علاوه بر آلونک‌نشینی، حلبی‌آباد و زاغه‌نشینی، واژه‌هایی چون اسکان غیررسمی، اسکان نیمه‌دائم، شهرهای کلبه، اسکان خود به خودی، اسکان غیر مجاز و اسکان کنترل نشده نیز به کار می‌رود (Undesa, 2003).

در بیان ویژگی حاشیه‌نشینان نیز تعریف مختلفی ارائه شده است: می‌توان حاشیه‌نشینان را افرادی دانست که علی‌رغم سکونت در شهر از خدمات شهری بی‌بهره هستند.

حاشیه‌نشینان علی‌رغم متفاوت بودن شیوه رایج زندگی با ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود آورده‌اند (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۴: ۶۴). حاشیه‌نشین فردی است که نمی‌تواند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شود و از خدمات شهری استفاده کند (عابدینی درکوش، ۱۳۷۲) یا در تعاریفی دیگر: حاشیه‌نشین‌ها به‌عنوان شهروند رسمی و مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند. از این رو در حاشیه امکانات، خدمات، تسهیلات زندگی عمومی و زیر بنای شهری قرار دارند (برغم‌دی، ۱۳۸۷).

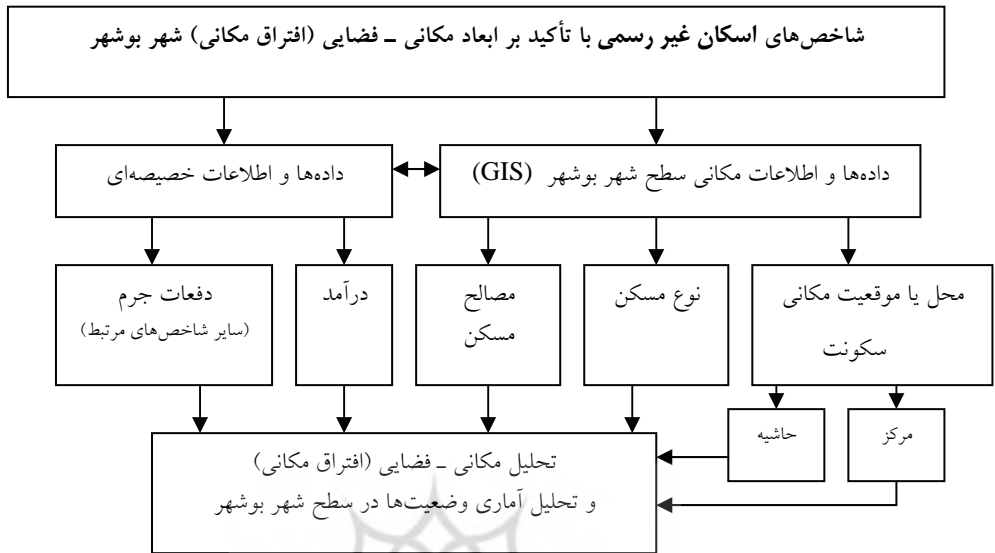
زاغه‌ها، مناطقی هستند که مهاجران فقیر و مصیبت‌زده روستایی اولین خانه کوچک و ارزان خود را در آن جا بنا کرده و شروع به جستجو برای یافتن کار و شغل مناسب در همان حوالی می‌کنند (هادیزاده‌بزاز، ۱۳۸۵).

بر اساس مطالعات انجام گرفته در زمینه حاشیه‌نشینی در مناطق مختلف حاشیه‌نشین ایران می‌توان گفت که مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارتست از ساخت و ساز نامناسب، فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بیکاری، اشتغال کاذب، عدم رعایت بهداشت جمعی و فردی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی، افزایش جرم، جنایت، فحشا، مصرف بیش از حد مواد مخدر در مقایسه با سایر مناطق شهری، قومیت‌گرایی و ازدحام بیش از حد جمعیت که باعث گردیده در اطراف کلان شهرها شاهد رشد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین باشیم (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

با مروری بر کلان شهرهای ایران، به وضوح می‌توان به وجود منطقه حاشیه پی برد. منطقه‌ای که در آن ساکنین علاوه بر این که از خدمات شهری برخوردار نمی‌شوند و جزو محدوده‌ی شهری شناخته نمی‌شوند، از حقوق شهروندی بی‌بهره بوده و ساخت و سازهای غیر معمول و نامناسب برجسته‌ترین ویژگی آن به شمار می‌رود.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، الکترونیکی و بررسی‌های میدانی می‌باشد. این تحقیق در سطح محلات مختلف شهر بوشهر با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و مشاهدات پیمایشی در سال ۱۳۸۸ انجام گردیده است. تعداد پرسش‌نامه‌ها با توجه به اهداف و فرضیات تحقیق برای ۱۶۲ نفر از مددجویان زندان مرکزی بوشهر طراحی، پایلوت و تکمیل شد. پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی در بین افراد توزیع شدند، در حالی که انتخاب محله‌ها بر اساس وضعیت شهر و تفاوت‌های مکانی - فضایی (افتراق مکانی) در ابعاد اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است. به گونه‌ای که بتوان نتایج حاصل از تحقیق را در بعد مکانی - فضایی نیز تحلیل و ارائه نمود. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات حاصل از یافته‌های میدانی با استفاده از ضریب پیرسون و نرم افزارهای آماری (Spss و Excel) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) انجام گردیده است. شکل (۱) به طور گویا مراحل انجام عملیات یا به عبارت دیگر وضعیت شاخص‌های اسکان غیررسمی مورد بررسی در محله‌های شهر بوشهر را با تأکید بر افتراق مکانی نشان می‌دهد.



شکل ۱. شاخص‌های اسکان غیررسمی مورد بررسی در محله‌های شهر بوشهر (منبع: نگارندگان)

استان بوشهر در جنوب ایران و با مساحتی در حدود ۲۵۳۵۹ کیلو متر مربع به صورت نوار باریکی بین خلیج فارس و کوهپایه‌های زاگرس قرار گرفته است. گستره جغرافیایی استان بین ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ است (کنین، ۱۳۷۸). جمعیت استان بوشهر طبق سرشماری ۸۵ برابر با ۸۷۸۰۰۰ نفر بوده که ۶۵ درصد شهرنشین و ۳۵ درصد روستانشین بوده‌اند. همچنین از کل جمعیت استان ۵۳ درصد مرد و ۴۷ درصد زن هستند و در مقابل هر ۱۱۲ نفر مرد ۱۰۰ نفر زن وجود دارند (کنین، ۱۳۷۸). شهر بوشهر با مساحتی در حدود ۹۹۴/۵ کیلومتر مربع، مرکز استان بوشهر می‌باشد. این شهر در عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه شرقی قرار دارد (افشارسیستانی، ۱۳۶۹).

بندر بوشهر از نظر تاریخی دارای سابقه‌ای کهن و درخشان است. این منطقه یکی از مراکز مهم و قدیمی تمدن و فرهنگ ایران زمین به شمار می‌رود. بر اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده، قدمت تمدن استان بوشهر و به ویژه شهر بوشهر دست کم به پنج الی شش هزار سال پیش باز می‌گردد. بوشهر تا زمان نادر شاه افشار روستای ماهیگیری کوچکی بود تا این که نادرشاه این مکان را مقر نیروی دریایی خود قرار داد و قلعه نادریه را در این مکان بنا نهاد. سپس بوشهر با عنوان نادریه در سال ۱۱۱۳ هجری قمری بنیان گذاری شد. تا این زمان در این محل بنای ساختمانی وجود نداشت و آل‌مذکور که ساکنین این روستای کوچک بودند در کپرهایی که از چوب و برگ درخت نخل ساخته شده بود زندگی می‌کردند (رسایی کشکوک، ۱۳۸۴).

در بوشهر کنونی که متشکل از محله‌های: بهبهانی، شنبدی، کوتی، دهدشتی، سنگی، جبری، صلح‌آباد، جُفره، بن مانع، شیکری، بهشت‌صادق، هلالی، نیدی، بیسیم، عَسَلو، تل کوتی، لیل، پور، مُخ‌بلند، شُغاب، جلالی، تَنگک، سرتل، بهمنی، دواس، خواجه‌ها، امامزاده، سبزآباد، ریشهر، هلیله و بندرگاه است، مسئولین معتقدند حاشیه‌نشینی به معنای واقعی در شهر بوشهر وجود ندارد اما واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد. محله جبری با ۱۸۱ هکتار و محله صلح‌آباد با ۱۷۹ هکتار وسعت نمونه‌های عینی و بارزی از حاشیه‌نشینی در بوشهر می‌باشند. ساکنان مناطق حاشیه از اجتماع موفق شهرها جدا شده‌اند و سیمایی دیگر در داخل شهرها به وجود آورده‌اند. هم زمان با افزایش این مناطق به دلیل عدم نظارت، نابرابری اجتماعی، تنوع قومی فرهنگی، فقر، بیکاری و جرم نیز رواج یافته است (Nabavi, 2009). حاشیه‌نشینی فرهنگ مخصوص به خود را دارد و نمی‌توان منکر شد که اسکان غیررسمی یک شیوه زندگی است. فرهنگ حاشیه‌نشینی انعکاسی از زندگی طبقات

1- Behbahani, Shnbdy, Kvtv, Dehdashti, Sangi, Jabri, SolhAbad, Jfirh, Benmane, Shekari, Beheshtasdegh, Helali, Nydy, Bisim, Asalow, Telkvtv, Lille, Powr, Mokhbalend, Shghab, Jalali, Tngk, Srtl, Bahmani, Dvas, Khajea, Emamzadeh, Sbzabad, Reyshahri, Hlylh, Bandrgah.

ضعیف و پایین جامعه است که با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. در بوشهر نیز محله‌های مذکور با موارد بالا بیگانه نیستند. حاشیه‌نشینان در عین شهری بودن فرهنگ روستایی خود را نیز حفظ کرده‌اند (ربانی، ۱۳۸۵). این مناطق از لحاظ کالبدی غیراستاندارد و متفاوت با بافت متعارف شهری هستند (پارسا، ۱۳۸۱). کوچه‌های تنگ و باریک، ساختار نامناسب خانه‌ها، جمعیت زیاد، بیکاری و نبود شغل مناسب، عدم رعایت بهداشت و... همه این موارد را می‌توان در دو محله جبری و صلح‌آباد مشاهده کرد. شکل‌های ۲ و ۳ از محله‌های حاشیه‌نشین مذکور گویای این مهم هستند.



شکل ۲. اسکان غیررسمی در صلح‌آباد (منبع: مطالعات میدانی)



شکل ۳. اسکان غیررسمی در جبری (منبع: مطالعات میدانی)

یافته‌ها

نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی به دو صورت عمده در راستای اهداف تحقیق در ادامه ارائه گردیده است. همان گونه که در شکل (۱) ملاحظه می‌شود، عملیات و نتایج مربوط به وضعیت داده‌ها و اطلاعات مکانی سطح شهر بوشهر (GIS) به عنوان بستر و پایگاه نقشه‌ای در قالب پراکنش وضعیت‌ها بر روی نقشه طرح گردیده است و عملیات و نتایج حاصل از داده‌ها و اطلاعات خصیصه‌ای در قالب آزمون‌های آماری لحاظ شده‌اند. از این رو در ادامه نتایج وضعیت‌ها در قالب نقشه و نتایج آماری آمده است.

در بحث یافته‌ها، ۱۶۲ نفر به‌عنوان جامعه آماری و به صورت تصادفی از زندان مرکزی بوشهر انتخاب شدند و پس از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ها به وسیله نرم افزار آماری SPSS و Excel نتایج زیر حاصل شد:

در زمینه سن افراد باید گفت که بالاترین درصد مربوط به افراد ۳۰-۲۱ سال با ۴۹/۹۷ درصد بوده است. همچنین افراد ۴۰-۳۱ نیز ۲۸/۳۲ درصد جرایم را به خود اختصاص داده بودند. این نشان می‌دهد، که بیش‌تر جرایم در میان جوانان رخ می‌دهد، و آن‌ها در معرض آسیب بیش‌تری نسبت به افراد دیگر هستند. کم‌ترین جرایم نیز در میان افراد ۵۰ سال به بالا با رقم ۳/۷۰ درصد بوده است. در مورد میزان تحصیلات نیز یافته‌ها حاکی از آن است که افراد کم‌سواد درصد بالایی از جرایم را مرتکب شده‌اند و میزان تحصیل در وقوع جرم نقش به‌سزایی دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیش‌ترین نرخ با ۳۰/۸۵ درصد، در میان افرادی است که تا مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند. ۲۸/۳۸ درصد افراد نیز سوادی در حد راهنمایی داشته و ۱۱/۷۲ درصد بی‌سواد بوده‌اند. ضمن آن که افرادی که تحصیلات عالی داشته‌اند ۶/۱۷ درصد جرایم را مرتکب شده‌اند. همچنین افراد متأهل با ۵۱/۲۱ جرم بیش‌تری را نسبت به افراد مجرد مرتکب شده‌اند و تشکیل خانواده علی‌رغم این که نتوانسته آن‌ها را از وقوع جرم باز دارد بلکه زمینه را نیز برای آن‌ها فراهم کرده است. یافته‌ها همچنین مبین این مطلب است که والدین می‌توانند نقشی بازدارنده در پیشگیری فرد از ارتکاب جرم داشته باشند. تا آن جایی که مرگ والدین و نبود سرپرست باعث شده است تعداد زیادی از این افراد مرتکب جرم شوند. بدین ترتیب نمی‌توان منکر نقش مدیریتی و تربیتی والدین در امر پیشگیری از بزهکاری گردید. این در حالی است که والدین ۷۲/۸۰ درصد از مددکاران در قید حیات بوده‌اند و در صد باقیمانده والدین خود را از دست داده بودند. از تعداد والدینی که در قید حیات بوده‌اند یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸/۲۱ درصد آن‌ها از هم طلاق گرفته‌اند و باقی آن‌ها همچنان به زندگی مشترک خود ادامه داده‌اند. اگرچه طلاق می‌تواند زمینه را برای ارتکاب جرم برای فرزندان و حتی افراد فراهم کند اما این تحقیق نشان می‌دهد که بی‌توجهی والدین و عدم کنترل صحیح افراد توسط والدین نقش پررنگ‌تری در این زمینه ایفا می‌کند. از میان ۷۲/۸۰ والدینی که در قید حیات بوده‌اند ۴۷/۵۰ درصد والدین بی‌سواد بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد که آگاهی و دانش

والدین تا چه حد می‌تواند از بروز خطا در فرزندان جلوگیری کند. چنان چه بی‌اطلاعی آن‌ها نیز همان طور که در این پژوهش دیده می‌شود زمینه را برای مجرمین مساعدتر کرده است.

از بین تعداد افرادی که انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند، یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد آن‌هایی که سابقه دارند با ۵۷/۳۸ درصد بیش‌تر از آن‌هایی است که برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند. این جای تأسف دارد که ندامتگاه نتوانسته است مجرمین با سابقه را آن‌چنان که باید و شاید تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها باز پس از سپری کردن دوران محکومیت خود، با ورود مجدد به محیط باز دست به جرم زده و رویه سابق خود را در پیش گرفته‌اند.

اگرچه گمان می‌رفت خانواده‌های پرجمعیت به دلیل عدم نظارت صحیح والدین در معرض خطر بیش‌تری باشند، اما یافته‌های تحقیق در منطقه مورد مطالعه نشان داده که خانواده‌های متوسط جرم بیش‌تری را نسبت به خانواده‌های پرجمعیت مرتکب شده‌اند و این ادعا که خانواده‌های پرجمعیت زمینه بیش‌تری برای ارتکاب جرم دارند را به‌وضوح رد کرده است. به‌گونه‌ای که خانواده‌های ۳-۵ نفره با ۵۰/۵۹ درصد و خانواده‌های ۹-۶ نفره ۳۲/۰۸ درصد جرایم را مرتکب شده‌اند و خانواده‌های ۱۰ نفره و ۱۰ نفر به بالا به ترتیب ارقام ۳/۷۰ و ۴/۹۳ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در بررسی وضعیت مالی این افراد، بر کسی پوشیده نیست که فقر می‌تواند زمینه مناسبی برای جرم باشد و همگان بر این مورد اتفاق نظر دارند که اکثر مجرمین، فقر دوران کودکی و به تبع آن طرد شدن از جامعه را دلیل ارتکاب جرم خود ذکر می‌کنند. در این پژوهش نیز افراد ثروتمند تنها ۲/۴۶ از کل افراد مجرم را تشکیل می‌دهند و بیش‌ترین آمار نیز با ۳۲/۰۸ درصد مربوط به خانواده‌هایی است که در حد امرار معاش به سر می‌برند. همچنین سهم افراد نسبتاً فقیر ۲۱/۲۲ درصد و افراد فقیر ۱۷/۸۹ درصد از کل جرایم بوده است.

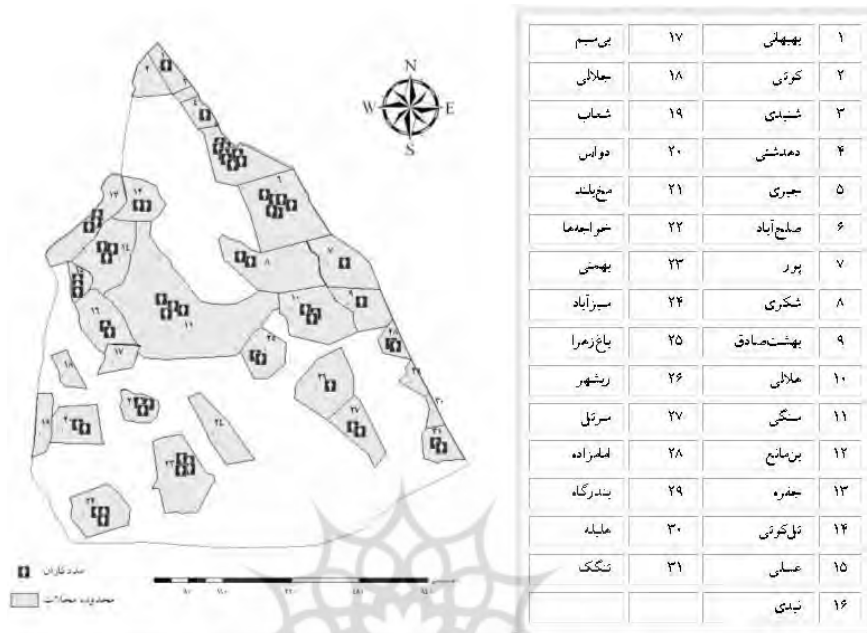
در بررسی که در مورد وضعیت مسکن این افراد صورت گرفت مشخص شد که وضعیت مسکن نمی‌تواند دلیل محکمی بر ارتکاب جرم داشته باشد، اگرچه نمی‌توان نقش آن را هم انکار کرد و برای اثبات این مدعا می‌توان درصد افراد فاقد مسکن با ۱۱/۳۹ درصد یا استیجاری با ۱۶/۰۴ درصد را عنوان کرد. اما بیش‌ترین رقم با ۶۴/۷۸ درصد مربوط به آن‌هایی است که مسکن شخصی داشته‌اند. جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان معتقدند که شکل بنا و مصالح به کار رفته در آن رابطه‌ی زیادی با جرم دارد و افرادی که در مساکنی با شکل ظاهری نامناسب زندگی می‌کنند زمینه‌ی بیش‌تری برای ارتکاب جرم دارند. در این پژوهش نیز بیش‌ترین رقم را مصالح سنگ و گچ با ۳۵/۷۸ درصد از آن خود کرده است که این آمار مبحث بالا را تصدیق می‌کند. در رده‌ی بعدی نیز خانه‌های بلوکی و سیمانی با ۲۳/۴۴ درصد بیش‌ترین سهم را داشته‌اند. ذکر این نکته نیز به جاست که کم‌ترین این ارقام مربوط به خانه‌های بتنی با ۶/۷۸ درصد است. بسیاری از محققان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی معتقدند که شرایط نامناسب روستایی و نبود شغل مناسب و درآمد پایین از انگیزه‌های اصلی مهاجرتی است که به سوی شهرها سرازیر می‌شوند. آمارهای حاصله در این پژوهش نیز نشان می‌دهد که رابطه‌ی شغل و ارتکاب جرم می‌تواند در ایجاد زمینه برای انجام بزهکاری مؤثر باشد به طوری که طبق همین پژوهش ۳۲/۷۰ درصد از افراد زندانی شغل آزاد دارند. این در حالی است که تنها ۲/۴۶ درصد آن‌ها کارمند رسمی هستند و شغل دولتی دارند. ۱۷/۸۹ درصد کارگری را پیشه‌ی خود ساخته‌اند و ۱۲/۳۴ درصد از آن‌ها جزء قشر بیکار جامعه محسوب می‌شوند. همچنین ۱/۲۳ درصد شغل کاذب داشته‌اند. گفتنی است ۱/۸۵ درصد از مددکاران محصل و ۱/۲۳ درصد نیز سرباز بوده‌اند.

درآمد تأثیر به‌سزایی در ایجاد انگیزه در افراد برای ارتکاب جرم دارد و نبود درآمد به‌راحتی گاهی می‌تواند انگیزه‌ای بسیار قوی برای فرد شود تا بتواند از طریق نامشروع به اهداف خود دست یابد. طبق پژوهش انجام شده در شهر بوشهر، این مسئله روشن می‌شود که تعداد کثیری از افراد مورد مطالعه در وضعیت مالی خوبی به سر نمی‌برند. همچنین

تعداد افرادی که درآمد نامشخصی دارند و یا گاه فاقد درآمد هستند نیز کم نیستند و ۲۴/۶۸ درصد افراد را در بر گرفته است. این در حالی است که بیش تر این افراد نیز ماهیانه با درآمد ۱۰۱-۲۵۰ هزار تومان امرای معاش می‌کردند. چیزی حدود ۱۵/۴۲ نیز در حاشیه امنیت به سر می‌بردند که از این میان ۱/۸۵ درصد با درآمد ۷۰۰-۵۵۱ هزار تومان، ۱/۲۳ درصد با درآمد ۷۰۱ هزار تا ۱ میلیون تومان و ۱/۸۵ درصد با درآمد ۱ میلیون به بالا، ماهیانه زندگی خود را می‌گذرانند. اصلی ترین مبحث پژوهش و به عبارتی فرضیه اصلی این پژوهش، بررسی رابطه ارتکاب جرم و محل سکونت افراد بوده است. اگرچه اسکان غیررسمی در ابعاد متفاوت وجود دارد اما به لحاظ کیفی در حاشیه شهرها این امر نمود بیش تری نسبت به سایر مناطق شهر دارد. شواهد نشان می‌دهد که افتراق مکانی یا تفاوت در بین محله‌های شهر بوشهر با بیش ترین جرم خیزی با ۱۴/۵ درصد مربوط به دو محله جبری و پس از آن محله صلح آباد با ۹/۶۷ درصد و کم ترین میزان جرم نیز مربوط به محله‌های دهدشتی، بهبهانی پور و بهشت صادق هر کدام با ۱/۱۶ درصد بوده است. همچنین یافته‌ها نشان داد که ۴۵/۳۱ درصد از مددجویان در حاشیه شهر ساکن هستند، و این در حالی است که تنها ۲۵/۷۹ درصد مددجویان از مرکز شهر بوده‌اند و باقی آن‌ها نیز از محلات میانی شهر بوده‌اند. شکل ۴ با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی نحوه پراکنش مددجویان و جرم خیزی در بوشهر را به خوبی نشان می‌دهد. این ارقام تأثیر به سزای حاشیه‌نشینی در ایجاد بزه را به راحتی روشن می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۴. نحوه پراکنش مدججویان به تفکیک محلات و تعداد افراد در شهر بوشهر- ۱۳۸۸
(منبع: مطالعات میدانی)

در بررسی جرایم صورت گرفته توسط مجرمین در منطقه مورد مطالعه، بیش‌ترین میزان جرم مربوط به سرقت با ۲۰/۹۵ درصد بود که این امر تأثیر درآمد مکفی و نبود آن را به خوبی روشن می‌سازد. پس از سرقت نیز بیش‌ترین جرم صورت گرفته قاچاق با ۱۴/۵۰ درصد بوده است که روشن است در راستای نبود درآمد و دسترسی به درآمد بالا توسط افراد صورت گرفته است. آمار جرایم دیگر در شکل شماره ۵ قابل مشاهده است.



شکل ۵. آمار جرایم صورت گرفته توسط مددکاران در منطقه بوشهر- ۱۳۸۸

(منبع: مطالعات میدانی)

آخرین موردی که در بین افراد مورد مطالعه در این مرحله بررسی گردید علت ارتکاب جرم بود و انگیزه افراد از انجام جرم که در پیرو مباحث بالا باز هم نقش درآمد و وضعیت مالی به خوبی مشخص می‌گردد. بیش‌تر این افراد مشکلات اقتصادی را با ۳۸/۸ درصد دلیل ارتکاب جرم خود ذکر کرده‌اند. البته هم نوعان با ۲۸/۳ درصد، اجتماع با ۲۲/۳ درصد، سایر موارد دیگر با ۶/۲ درصد و خانواده با ۴/۴ درصد از دیگر شاخص‌هایی بودند که علت ارتکاب جرم ذکر شدند. در پایان نیز برای بررسی ضریب همبستگی پیرسون از نرم افزار آماری SPSS استفاده شد که نتایج زیر حاصل شد.

جدول ۱. تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با وضعیت شاخص‌ها با استفاده از ضریب پیرسون (ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح	ضریب همبستگی	نوع رابطه
سواد	بعد خانوار	٪۱	۰/۶۸۱	رابطه معنادار
سواد	وضعیت مسکن	٪۱	۰/۸۸۶	رابطه معنادار
سواد	وضعیت مالی	٪۱	۰/۸۵۰	رابطه معنادار
سواد	شغل	٪۱	۰/۸۳۰	رابطه معنادار
سواد	درآمد	٪۱	۰/۷۱۱	رابطه معنادار
سواد	سن	٪۱	۰/۷۷۱	رابطه معنادار
بعد خانوار	وضعیت مالی	٪۱	۰/۷۹۴	رابطه معنادار
بعد خانوار	شغل	٪۱	۰/۸۲۲	رابطه معنادار
بعد خانوار	درآمد	٪۱	۰/۸۲۹	رابطه معنادار
وضعیت مسکن	وضعیت مالی	٪۱	۰/۸۱۱	رابطه معنادار
وضعیت مسکن	شغل	٪۱	۰/۶۴۰	رابطه معنادار
وضعیت مسکن	درآمد	٪۱	۰/۵۷۶	رابطه معنادار
مصالح ساختمان	وضعیت مالی	٪۱	۰/۸۶۴	رابطه معنادار
مصالح ساختمان	درآمد	٪۱	۰/۷۵۷	رابطه معنادار
مصالح ساختمان	محل سکونت	٪۱	۰/۶۴۰	رابطه معنادار
وضعیت مالی	سواد	٪۱	۰/۸۵۰	رابطه معنادار
وضعیت مالی	شغل	٪۱	۰/۸۲۸	رابطه معنادار
وضعیت مالی	درآمد	٪۱	۰/۸۸۸	رابطه معنادار
شغل	نوع مسکن	٪۱	۰/۶۴۰	رابطه معنادار
شغل	درآمد	٪۱	۰/۸۷۴	رابطه معنادار
درآمد	وضعیت مسکن	٪۱	۰/۵۷۶	رابطه معنادار
درآمد	محل سکونت	٪۱	۰/۶۴۱	رابطه معنادار
تعداد دفعات جرم	وضعیت مسکن	٪۱	-۰/۳۷۴	رابطه معنادار
تعداد دفعات جرم	درآمد	٪۱	-۰/۳۵۳	رابطه معنادار

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح	ضریب همبستگی	نوع رابطه
متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح	ضریب همبستگی	نوع رابطه
تعداد دفعات جرم	وضعیت مسکن	٪۱	-۰/۳۷۴	رابطه معنادار
تعداد دفعات جرم	درآمد	٪۱	-۰/۳۵۳	رابطه معنادار
مدت محکومیت	وضعیت مسکن	٪۱	۰/۶۳۱	رابطه معنادار
تعداد دفعات جرم	تراکم مسکونی	٪۱	۰/۷۱۲	رابطه معنادار

بر اساس نتایج تحقیق و بررسی‌های انجام شده در دو عملیات عمده (تحلیل وضعیت داده‌ها و اطلاعات مکانی - فضایی یا نقشه‌ای و تحلیل شاخص‌های مرتبط آماری)، نحوه پراکنش یا افتراق مکانی محله‌های سطح شهر بوشهر در میزان جرم بیشتر تری دارند منطبق با نواحی حاشیه‌ای شهر بوشهر هستند یا به عبارت دیگر، میزان جرم در قسمت‌های اسکان غیررسمی حاشیه یا پیرامون شهر بوشهر بیش‌تر از بخش‌های مرکزی شهر است. این وضعیت نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه پایدار شهر بوشهر می‌بایست در جهت کاهش تفاوت‌های مکانی (افتراق مکانی) محله‌ها باشد و ضمن آن طرح‌های مشارکتی با شیوه توانمندسازی در محله‌های حاشیه‌نشین اجرایی گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل یافته‌ها روشن است عواملی چون سن پایین افراد و طرز تفکر غلط آن‌ها در انتخاب راه‌های نامناسب برای کسب درآمد، سواد پایین و نبود دانش کافی در میان افراد، بی‌توجهی والدین نسبت به تربیت صحیح افراد در دوره نوجوانی و همچنین عدم موفقیت در برقراری یک رابطه صحیح با فرزندان که گاه می‌تواند ناشی از بی‌سوادی والدین باشد، و عواملی چون وضعیت مالی ضعیف، وضعیت بد مسکن، محل زندگی، نبود شغل مناسب، گرایش افراد به مشاغل کاذب و همچنین پایین بودن درآمد، زمینه را برای

ارتکاب جرم‌هایی نظیر سرقت و قاچاق و کسب در آمد از راه نامشروع فراهم می‌کند که همگی تصویری از سیمای حاشیه شهرهایی است که همه این عوامل دست به دست هم داده و آن‌جا را کانون جرایم و آسیب‌های اجتماعی کرده است. اسکان غیررسمی یکی از علل جرم محسوب می‌شود که دلیل اصلی آن نیز مهاجرت است. تحقیقات جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان نشان می‌دهد نمی‌توان در مورد شکل و ساختار مسکن بی‌تفاوت بود و این مهم می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش جرم داشته باشد. آمار بالای جنایت در مناطق حاشیه نسبت به مرکز شهر خود دلیلی بر این مدعاست. محمد بیجه به عنوان عامل اصلی کشتار پاکدشت که انگیزه خود را فقر و انتقام‌جویی از جامعه ذکر می‌کند مثال بارزی در این مورد است. از آنجایی که دین اسلام توزیع عادلانه امکانات و خدمات را حق همگان می‌داند و قانون اساسی نیز بر برخورداری یکسان همه از امکانات تأکید می‌کند، واجب است که مسئولین در راستای از بین بردن این شکاف و رعایت حقوق شهروندی در بین تمام اقشار جامعه، به خصوص قشر محروم و مردم حاشیه نشین این امر را با نظارت بیشتر و فراهم کردن تسهیلات بیشتر برای این مناطق دنبال کنند. زاغه‌نشینی علی‌رغم تبعات سوء ولی راه‌گریز و راه‌حلی مناسب برای افراد کم‌درآمد و فقیر محسوب می‌شود که جهت اسکان در شهرها نیاز به سرپناهی دارند. حاشیه‌نشینی در راستای بلوغ یک شهر انجام می‌گیرد ولیکن خوب است همراه با این تحول با فراهم کردن امکانات لازم برای حاشیه‌نشینان به ارتقاء آن‌ها برای رسیدن به درجه شهروندی و برخورداری از امکانات شهری کمک شود و همچنین با ایجاد زمینه‌ای برای ورود آن‌ها به جامعه و دخالت دادن آن‌ها در مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حس ارزش و احترام را در آن‌ها نهادینه کنند. هم‌چنین با ایجاد حس تعلق به شهر در آن‌ها زمینه‌کناره‌گیری از آسیب‌های اجتماعی و حرکت به سوی رشد و تعالی به عنوان یک انسان شریف را در آن‌ها به وجود آورند. به کارگیری راهکارهای مناسب برای حل مشکلات حاشیه‌نشینان مستلزم تلاش و هم‌فکری همه جانبه مسئولین، نهادها و سازمان‌های مربوطه، از سیاستمداران تا

سرمایه‌گذاران و مهندسين شهرسازی گرفته تا معماران و متولیان سامان دهی جمعیت شهری دارد. مسئولین امر باید نگاهی حمایت‌گرانه داشته و بدور از دید سرکوب‌گرانه در جهت سامان دهی و کنترل مردم مناطق حاشیه‌نشین گام بردارند. در جهت کم‌تر شدن آسیب‌های اجتماعی و محدود کردن جرایم عده‌ای از آسیب‌شناسان و کارشناسان این امر وجود نگهبان شب یا پاسبان محله در این مناطق را ضروری می‌دانند و آن را باعث افزایش ضریب امنیت و همچنین کاهش جرم در این مناطق می‌دانند. در بحث پیشگیری از وقوع جرم در این مناطق می‌توان اقدامات کوتاه‌مدتی همچون ارتقاء کیفی سکونت‌گاه‌ها، زیباسازی مناطق از طریق نظارت دقیق مراجع مربوطه بر ساخت و ساز و همچنین فراهم ساختن تسهیلات و وام‌های زودبازده و با سود کم جهت کمک به ساکنان این مناطق، توجه به معابر و کوچه‌ها در جهت عریض کردن آن‌ها و بالا بردن روشنایی آن‌ها در شب، بالا بردن امنیت منطقه توسط نیروهای امنیتی و شناسایی و برخورد با مجرمین، ایجاد اشتغال در مناطق حاشیه‌نشین و ایجاد فضاهای سالم تفریحی و ورزشی انجام داد. در بحث سیاست‌های بلندمدت نیز برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان و کاهش بار اضافی شهرها می‌توان اقداماتی همانند بالا بردن سطح بهداشت در روستاها، بالا بردن سطح رفاه روستاها، ایجاد اشتغال در روستاها و همچنین اجرای طرح‌های هادی روستایی و طرح‌های جامع در شهرها از دیگر راه‌حلی‌هایی دانست که می‌توان در جهت بهبود وضع این مناطق در راستای پیشگیری و کاهش جرم به کار برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ابراهیم زاده، عیسی، بریمانی، فرامرز و نصیری، یوسف (۱۳۸۳) حاشیه‌نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن، موردشناسی؛ کریم‌آباد زاهدان، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره سوم، ۱۲۱-۱۴۶.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹). *نگاهی به بوشهر*، جلد دوم، چاپ اول، موسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش، تهران، ۸۰۱.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۱) حاشیه‌نشینان حرم نگاهی به مساله اسکان غیررسمی در مشهد، *فصلنامه مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور*، شماره دهم.
- برغمندی، هادی (۱۳۸۷) تأثیر تخریب محله غربت بر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸.
- بیانلو، یوسف و منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۵) رابطه‌ی تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم، *فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۲۲، ۵۶-۲۹.
- پارسا پزوه، سپیده (۱۳۸۱) نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی اسلام‌آباد کرج، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۶، ۱۶۱-۱۹۸.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷) نگاهی به رشد فزاینده‌ی آسیب‌های اجتماعی در ایران، *ماهنامه سیاسی اجتماعی آیین*، شماره ۱۶، ۷۳-۷۷.
- حاتمی‌نژاد، حسین و سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۵) بررسی شاخص‌های مسکن غیررسمی در ایران نمونه موردی محله شیخ‌آباد قم، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۸، ۱۲۹-۱۴۵.
- حسین‌زاده‌دلیر، کریم (۱۳۷۰) حاشیه‌نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، *مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، شماره ۴۶-۴۵.
- ربانی، رسول، عریضی، فروغ‌السادات، وارثی، حمیدرضا و حسینی، محمدرضا (۱۳۸۵) بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مساله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۷، ۸۹-۱۱۴.

- ربانی، رسول (۱۳۸۵) **جامعه‌شناسی شهری**، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- ربانی، رسول، وارثی، حمیدرضا و طاهری، زهرا (۱۳۸۳) **تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان**، نمونه موردی: منطقه‌ی ارزنان و دارک، **مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان**، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، ۱۱۹-۱۵۴.
- رسایی کشوک، سام (۱۳۸۴). **شکوه ابو شهر**، انتشارات شروع بوشهر.
- رضا مسعودی‌فر (۱۳۸۵) **تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرم**، سمینار شهر و مردم، تهران.
- شکویی، حسین (۱۳۸۰) **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، تهران، انتشارات سمت.
- عابدینی درکوش، سعید (۱۳۷۲) **درآمدی به اقتصاد شهر**، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- عبدالرحیم اسداللهی و محمدجواد ناطق‌پور (۱۳۸۵) **بررسی ساختار اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام (بان بور، بان چرمگ و کمربندی)**، **نشریه علمی و اجتماعی جامعه‌شناسی ایران**.
- قرخلو، مهدی و شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۲) **پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی، اقتصادی حاشیه‌نشینی**، مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز، **مقالات شهرسازی نشریات دانشگاه تهران**.
- کنین، عبدالحسین (۱۳۷۸) **جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر**، ناشر طلوع دانش.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۷) **توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری**، فصلنامه حقوق، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۳۱، شماره ۳، ۳۱۶-۲۹۷.
- نقدی، اسدالله، صادقی، رسول (۱۳۸۵) **حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار با تأکید بر شهر همدان**، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۲۰، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۵) **حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان**، شهرداری مشهد.

- Aluko, B .T., and AMIDU, A. R. (2006) **Urban Low Income Settlements, Land Deregulation and Sustainable Development in Nigeria**. *5th FIG Regional Conference, Accra, Ghana, March 8-11*.p1-13.
- Caradia, N. (2000) **Urban Violence in São Paulo**. *Woodrow Wilson international center for scholars Washington, d.c* .number 33.p4.
- Field, E and Kremer, M. (2006) **Impact Evaluation for Slum Upgrading Interventions**, *WCFIA Working Paper* p3.
- **Hern, M.** (2008) Urban Malignancy: Similarity in the Fractal Dimensions of Urban Morphology and Malignant Neoplasms, *International journal of anthropology* .Vol. 23(1-2): 1-19.
- Movahed mohamadi, H., Mohammadi, Y., Rahimian, M and Loghmani, N. (2008) Investigating Mechanism of Marginal Settlement Life Improvement, *Journal of social sciences*.4.p 222-228.
- Nabavi, A. (2009) Migrant, Marginality and Suburbanization, a conceptual frame work, *European Journal of Social Science*- Volume 9, Issue2, 202-217.
- Obudho, R. A. and Aduwo, G. O. (1989) Slum and squatter settlements in urban centres of Kenya: Towards a planning strategy, *Journal of Housing and the Built Environment*, vol 4, No 1, 17-30.
- **Rashid, S. F.** (2009) Strategies to Reduce Exclusion among Populations Living in Urban Settlements in Bangladesh, *Journal of Health, Population and Nutrition*, Vol 27, No 4 574-586.
- Redman, C and Jones, N (2005) The Environmental, Social, and Health Dimensions of Urban Expansion, *Population and Environment*, Vol. 26, No. 6, July 2005, 505- 520.
- UN program human settlement (2004) *Human Settlement 2004- IRAN, Human settlement country profile the Islamic republic of iran*.p4.
- Winchester, L. (2005) **Sustainable Development and Human Settlements Division**, *United Nations Publication, CEPAL - SERIE Medio ambiente y desarrollo*, No 99. 1-50.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی